

بررسی تطبیقی اشعار سزایی کاراکوچ و قیصر امین پور

Sezai Karakoç ve Ghayser Aminpour Şiirlerinin Karşılaştırılması ve İncelenmesi

Kadir Analay / Homeyra Zomorodi*

چکیده

در ترکیه، در قرن بیستم میلادی در زمینه ی علم، هنر، ادبیات و فلسفه، شاعران بزرگی پا به عرصه فرهنگ گذاشته اند که از جمله آنها می توان به سزایی کاراکوچ اشاره کرد. وی از شاعران مدرن و بزرگ ادبیات ترک محسوب می شود که در حوزه های فلسفی، اجتماعی، دینی و ادبی افکار منحصر به فردی دارد، بر همین اساس در مرکز شعر مدرن ترک قرار می گیرد. از طرفی دیگر، قیصر امین پور هم از شاعران برجسته ی ایران بعد از انقلاب است که مضامین اشعارش با تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره ی جنگ، بعد از جنگ و عصر کنونی پیوندی مستقیم و هنرمندانه دارد و به لحاظ جایگاه از شاعران ادبیات پایداری محسوب می شود. نوگرایی در شعر فارسی برای امین پور که شاعری نوپرداز است از دغدغه های اصلی ذهن او به شمار می آید. این دو شاعر برای خلق آثار خود از بزرگان ادب ترک و فارس تأثیر گرفته اند. ما در این مقاله به بررسی مضامین مشترک و متفاوت این دو شاعر و تحلیل جایگاه هنری آنها در ادبیات پرداخته ایم.

کلید واژه: کاراکوچ، امین پور، شعر مدرن، ادبیات پایداری، نوگرایی

A Comparative Study of Poetry of Sezai Karakoç and Qeyser Aminpoor

Summary

In Turkey, in the twentieth century in the field of science, art, literature and philosophy, the great poets of culture have emerged, such as can be noted Karakoç. He is one of the great poets in the philosophical, social, religious fields of the modern literature and his literary ideas are unique. Therefore he is in the center of modern Turkish poetry. On the other side, Aminpoor is one of the outstanding poets of Iran after revolution. His poetry includes social changes, political and cultural themes of Iran during the war, after the war. And at the current era

he has an artistically direct link with and the role of his poetry is stable in Persian poetry. In Persian poetry, modernism is one of the main concerns of the poet Aminpoor's mind. These two poets to create their works, they are both influenced by great literary figures of Turkish and Persian literatures. In this article, we will examine common themes and differences of the two poets and analyze the role of art which they have studied in their literatures.

Keywords: Karakoch, Aminpoor, modern poetry, permanent literature, modernism

مقدمه

قیصر امین‌پور و سزایی کاراکوچ دو شاعر مهم ایران و ترکیه هستند که در قرن بیستم شعرهایشان را بر مبنای فرهنگ غنی کشورشان بنا نهاده‌اند و با بیانی مدرن آن را به ما عرضه کرده‌اند. این دو شاعر با استفاده از سنت‌های بومی خودشان به عنوان اساس کار در شعرهایشان مفاهیم مدرن را نیز جا داده‌اند. کاراکوچ نه فقط شاعری مدرن بلکه در دسته‌بندی کلی هم جزو شاعران بزرگ ترک محسوب می‌شود.

کاراکوچ که از سال 1950 شروع به سرودن شعر کرده است یکی از شاعران ممتاز ادبیات ترک است. قیصر امین‌پور هم که در سال 1358 شروع به شعر گفتن کرده است، نفس تازه‌ای به شعر مدرن ایران دمید و در عصر حاضر یکی از شاعران بزرگ آکادمیک ایران می‌باشد.

کاراکوچ و امین‌پور در حوزه‌ها و قالب‌های مختلف شعری طبع آزمایی نموده و در کنار خلاقیت فردی و نوآوری در خلق اشعار خود از سنت‌های شعری کلاسیک به شکل هنرمندانه‌ای استفاده کرده‌اند. سزایی کاراکوچ در میان شاعران نسل نوگرای دوم ترکیه از شاخه ادبیات مدرن جای دارد و امین‌پور از شاعران برجسته ادبیات پایداری محسوب می‌شود که «شعر او یکی از ساده‌ترین و صمیمی‌ترین شعرهای دفاع مقدس و یکی از زیباترین نمونه‌های تلاش شاعران جوان انقلاب در ترسیم زخم و درد، ستیز و نبرد، حماسه و ایثارگری‌های جوانان پور شور انقلاب در عرصه‌های گوناگون هستی این مرز و بوم است.»¹

«یکی از مسایل بسیار مهم در ارتباط با ایران و ترکیه علاوه بر همسایه بودن، این است که این دو کشور با یکدیگر مجاورت سیاسی، دینی، ادبی و فرهنگی نیز دارند. ارتباط و تبادل ادبی و فرهنگی بین دو کشور، گواه بر این موضوع می‌باشد.»² از این رو ما بر آن شدیم تا در این پژوهش به

¹ ترابی، ضیاء الدین شکوه شقایق، قم: سماء، 1381:21.

² اسماعیلیان، ام البنین. آویزش‌های روایی اورهان پاموک از ادبیات و هنر ایران در زمان نام من سرخ. تهران: دانشگاه علوم و تحقیقات. 1393:5.

بررسی و تطبیق آثار دو شاعر از کشور ترکیه و ایران
بپردازیم.

در این پژوهش سعی بر آن است که به بررسی و تطبیق اشعار
سزایی کاراکوچ و قیصر امین پور بپردازیم تا با مفاهیم و
مضامین شعری و زندگی این دو شاعر آشنا شویم، چرا که
بررسی ادبیات دو کشور، راه را برای تحلیل و تطبیق ادبی
هموارتر می سازد.

نگاهی به زندگی، احوال و آثار کاراکوچ

کاراکوچ که نام اصلی او محمد سزایی است،³ در شرایطی به دنیا
آمد که جمهوری مدرن ترک، ده سالگی اش را به پایان
رسانده و به رغم تحمیل دولت ملی لائیک، هنوز به سمت چند
حزبی شدن گرایش پیدا نکرده بود و خانواده ی او از منظر
اقتصادی و اجتماعی در وضعیت نامطلوبی به سر می بُرد. وی
در بیست و دوم ژانویه سال 1933 در شهرستان **ارگانی** استان
دیاربکر به دنیا آمده است.

«سزایی کاراکوچ تمام اندیشه ها و مفاهیم ادبی خود را در
مجله ی رستاخیز، برای اولین بار در سال 1954 به چاپ
رسانید.»⁴

مجله "BÜYÜK DOĞU" که از مجله های نام آور و سمبل
ایدئولوژی اسلامی آن روزگار بود، اولین شعر کاراکوچ را
منتشر می کند، به طوری که با نشر این شعر، وی جایگاه
خود را در ادبیات ترکی پیدا می کند. نوشته های او، در
سال 1963 در "YENİ İSTANBUL" و در سال 1967 در "BABIALİDE SABAH"
و در سال 1974 در "MİLLİ GAZETE" نیز به چاپ می رسد. در دهه
شصت، مجله "DİRİLİŞ" به صاحب امتیازی سزایی کاراکوچ در
عرصه ادبیات متولد می شود. بعد از 1974 به جز مجله
"DİRİLİŞ" در جای دیگری قلم نزد. مجله "DİRİLİŞ" از یک سو
مجله ای مرتبط با ادبیات و هنر بوده و از سوی دیگر، به
مرکزی برای بروز اندیشه ها و سیاست اسلامی تبدیل می شود.
می توان گفت که سال 1990، سال پایان حیات ادبی سزایی
کاراکوچ است. وی «در سال 1968، از طرف انجمن طلاب ملی ترک
جایزه خدمت ملی، در سال 1970 مدال نقره آزادی، در سال
1982 جایزه داستانهای انجمن نویسندگان ترکیه، در سال
1988 جایزه خدمت والا، در سال 1991 جایزه دوازدهمین کنگره
شعرای دنیا "World Academy Of Art An Culture" را دریافت نموده
است»⁵ همچنین، کاراکوچ در سال 2007 از طرف وزارت فرهنگ
ترکیه به خاطر " جاری نمودن روحیات حساس انسانی در بطن
شعر و ایجاد طوفانی دوباره در بازگو کردن تاریخ در قالب

³ Fatma Ömerustaoğlu, "Hatıralar İçindeki Otobiyografik Çizgi", *Kitap Dergisi Özel Sayı*, 1998: 36

⁴ İhsan Işık, *Türkiye Edebiyatçılar ve Kültür Adamları Ansiklopedisi*, Ankara, 2006: 2014.

⁵ <http://yenisafak.com.tr/aktuel/default.aspx?t14.11.2007&c=5&i=28077,19.08.2015>

روح و ملیت انسانی در مضمونی شعری" به دریافت جایزه ویژه فرهنگ و هنر ترکیه نائل می گردد. «از دلایل دیگر دریافت این جایزه " تشبیه و تمثیل تکان دهنده شعری، رسیدن به فرآیندی که قبل از او درحوزه شعری بدست نیامده و جایگاه ممتاز وی در ادبیات ترکیه" می باشد.»⁶ او اکنون در محله فاتح استانبول زندگی می کند و در دفتر انتشارات "DİRİLİŞ"، با دوستان خویشتن به گفتگوهای روزانه می پردازد.

سزایی کاراکوچ در بسیاری از حوزه های ادبیات آثار برجسته ای از خود بر جای گذاشته است. اما، ما تنها به بررسی آثار شعری او می پردازیم. وی با توجه به وزن ادبی و هنری که در ادبیات دارا می باشد، در سال 2000 شعرهایش را در کتاب **Gündoğmadan** (قبل از طلوع آفتاب) منتشر می نماید.

آثار او عبارتند از:
خلیج⁷

این کتاب هفده شعر سزایی کاراکوچ و هچنین اشعاری که از سال 1953 تا سال 1959 در مجلات مختلف چاپ گردیده را در برمی گیرد. معروف ترین شعر این اثر، شعر "بالکن" است. در این کتاب متافیزیک و عشق یگانه فردی را می توان احساس نمود.

شاهرگ⁸

در سال 1962 دومین کتاب شاعر " شاهرگ" منتشر می گردد. در این مجموعه، تاریخ به منزله یک پدیده ساکن در نظر گرفته شده و در واقع نگرش تاریخ ملی- اسلامی دوران خویشتن است.

صداها⁹

سومین کتاب شاعر به نام صداها، مشتمل بر بیست و پنج شعر می باشد که دربرگیرنده شعرهای کوتاه است. «اشعاری ژرف و انتزاعی که عناصر متافیزیکی را در خود نمایان می کند.» را در این اثر می توان دید.

چهل ساعت با خضر¹⁰

اولین چاپ این کتاب در سال 1967 است. مقدمه این کتاب مرتبط با تاریخ اسلام و جهان بوده که موضوع آن سیر شاعر با حضرت خضر و عبرت و پندآموزیهای او که از منظری بیرونی به آن نگریسته و شکل بیانی و مفهومی آن است. شاعر درباره این اثر می گوید: «گویی در آنجا با خضر ملاقات نموده ام و در هر بار دیدار ما در این چهل روز،

⁶ http://www.zaman.com.tr/cuma_kultur-sanat-buyuk-odulu-sezai-karakocun_482791.html, 23.06.2015.

⁷ KÖRFEZ

⁸ ŞAHDAMAR

⁹ SESLER

¹⁰ HIZIRLA KIRK SAAT

گویى بخشى از داشته هایم در این کتاب را به ارمغان گرفتیم.¹¹»

کتاب طاهها¹² و مژده گل¹³

این دو شعر بلند شاعر را می توان به عنوان ادامه کتاب شعر چهل ساعت با خضر تلقی نمود. کاراکوچ همانگونه که در کتاب قبلى خضر را به عنوان سببل انتخاب نموده، در این کتاب نیز به یکی دیگر از مفاهیم قرآنى یعنی طاهها به عنوان قهرمان جان می بخشد. در کتاب مژده گل، یکی از مضمونهای همیشهگی و مهم شعر کلاسیک یعنی گل به شکلی نو و مدرن به طوری که با چارچوب زندگی مدرن همخوان باشد، ارائه شده و مرکز توجه شعر خویش نموده است.

گفتارهایی که معطوف به زمان شده اند¹⁴

اولین چاپ این اثر در سال 1974 با 17 اثر شعری کاراکوچ منتشر می گردد. شاعر که در این زمان از استانبول دور گشته است، به مفاهیم تراژدی تاریخی اهمیت داده و آن را به صورت شعر بیان نموده است.

آیین ها¹⁵

چاپ اول کتاب پنجم شعر سزایی کاراکوچ به نام آیین ها در سال 1977 صورت می گیرد. مراسم و منابع این کتاب با در نظر گرفتن دیگر کتابهای شاعر دارای جایگاه هنری بالاتری می باشد. در کتاب شعر آیین ها در شعری "تمدن اسلامی و منابع آن" به مناسبت قضا و قدر اشاره نموده است.

لیلی و مجنون¹⁶

اولین سال چاپ این اثر در سال 1980 می باشد. «آثار کلاسیک که به زبان ترکی عثمانی نگاشته شده بود و نسل آن زمان که با این زبان بیگانه بود شاعر داستانی مانند لیلی و مجنون داستانی تماما عاشقانه را به صورت شعر نو مدرن به مخاطبان خود عرضه می دارد.»¹⁷

رقص آتش¹⁸

رقص آتش در هفتمین جلد کتاب در سال 1987 به چاپ می رسد. شاعر با یادآوری خاطرات خویش و بیان شاعرانه، اندیشه

¹¹ همان: 32

¹² TAHANIN KİTABI

¹³ GÜL MUŞTUSU

¹⁴ ZAMAN ADANMIŞ SÖZLER

¹⁵ AYİNLER

¹⁶ LEYLA İLE MECNUN

¹⁷ Turan Karataş, *Doğu'nun Yedinci Oğlu: Sezai Karakoç*, Kaknus Yayınları, 1998:287,

¹⁸ ATEŞ DANSI

خود و ناگفته های دنیای درون اش را در کتاب اشعارش به مخاطب عرضه می دارد.

ساعت سرنوشت¹⁹

در مجموع دو شعر در این کتاب با نامهای "ساعت سرنوشت" و "جیرجیرک یک مشعل است" وجود دارد. در شعر "ساعت سرنوشت" شاعر متأثر از مسأله های اجتماعی بوده و در شعر جیرجیرک یک مشعل است، ایده آل های شاعر در قالب شعری بیان گردیده است.

مونا رزا²⁰

شعرهای مربوط به اثر مونا رزا در نهمین اثر شعری شاعر چاپ گردیده است. این خصوصیت و طرز توشیحی شاعر، در سی سال گذشته مورد توجه کسی قرار نگرفته بود. در این شعر، قهرمان اصلی همشاگردی دور شاعر و دوست دختر افلاطونی (خیالی) به نام "MUAZZEZ AKKAYA" می باشد.

قبل از طلوع آفتاب²¹

این کتاب که توسط انتشارات DİRİLİŞ زیر مجموعه آثار مکتب شعری کاراکوچ در نه جلد تا حد ممکن بارعایت فاصله زمانی و سرایش آنها با تنظیمی مجدد دوباره چاپ گردیده است.

نگاهی به زندگی، احوال و آثار امین پور

قیصر امین پور، متولد دوم اردیبهشت سال 1338 در "گتوند" یکی از بخش های شهرستان شوشتر است. فعالیت های هنری خود را از حوزه اندیشه و هنر اسلامی در سال 1358 آغاز نمود و از جمله کسانی بود که در شکل گیری حوزه ی اندیشه و هنر اسلامی نقش بسزایی داشت، در این حوزه، همراه با آموزش هنرجویان و شاعران نوجوان، قیصر و دوستانش به آفرینش خلاقیت های هنری همت گماردند. اولین مجموعه ی شعری او در سال 1363 از سوی انتشارات حوزه ی هنری با عنوان "تنفس صبح" و دومین مجموعه شعرش با نام "در کوچه آفتاب" به چاپ رسید.

در دوران جنگ تحمیلی ایران، قیصر توانست با چاپ "شعری برای جنگ" وارد حوزه ی ادبیات جنگ بشود، هر چند پذیرش قطعنامه، رحلت امام خمینی(ره) و تحولات اجتماعی و سیاسی حاکم بر دهه ی هفتاد از جمله مواردی هستند که تحولات فکری قیصر را در آثارش به نمایش می گذارد. امین پور در سال 1367 سردبیر مجله سروش نوجوان شد و همزمان تدریس در دانشگاه الزهرا را هم آغاز نمود. در سال 1377 بر اثر يك سانحه ی رانندگی، سلامتی نسبی خود را از دست داد. در سال 1382 به عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب

¹⁹ ALINYAZI SAATI

²⁰ MONNA ROSA

²¹ GÜNDOĞMADAN

شد. در نهایت قیصر امین پور، در سال 1386 در پی يك حمله قلبی در بیمارستان مهر تهران در گذشت. آثار او عبارتند از:

در کوچه آفتاب

این مجموعه ی شعری در فاصله سال های 1357 تا 1362 سروده شده است. «آن چه که در متن سروده ای این کتاب بیشتر مشهود است، شوریدگی های عرفانی شاعری است که با برخورداري از زبانی معتدل و استفاده از واژگانی در دسترس که زمینه ارتباط با مخاطبان را تسهیل می بخشد رویکردی دوباره به دو فرم کوتاه شعر فارسی داشته است.»²²

تنفس صبح

این مجموعه ی شعری در فاصله سال های 1357 تا 1362 سروده شده و حاوی 51 قطعه شعر در قالب های مختلف با مضامینی چون عرفان، شهادت، جهاد و حماسه،... می باشد. در این دوران، جنگ و مرگ از شاخص ترین موضوعات انتخابی شاعران انقلاب محسوب می شد. در این مجموعه "شعری برای جنگ" مشهورترین شعر امین پور درباره ی جنگ ایران و عراق می باشد.

آینه های ناگهان

این مجموعه ی شعری در فاصله سال های 1364 تا 1371 سروده شده است. از مهم ترین ویژگی هایی این اثر می توان به تحولی اشاره کرد که در زمینه ی شعر نیمایی انقلاب به وجود آورد، زیرا؛ این تحول سبب ارتقای کیفیت هنری این اثر گردید. در این اثر، شاعر به موضوعاتی همچون حقیقت، حقیقت شعر، حقیقت هستی، درد، عشق و غم پرداخته است.

گلها همه آفتابگردانند

" گلها همه آفتابگردانند" در دهه هشتاد منتشر شده است و شامل 46 قطعه شعر با مضمون «ماهیت عشق»، «راه دستیابی به حقیقت عشق»، «مرگ» و «مرگ اندیشی» می باشد. این مجموعه شعری به لحاظ قالب و محتوا، نسبت به سایر آثار امین پور، از تنوع بیشتری برخوردار است.

دستور زبان عشق

" دستور زبان عشق" در سال 1386 منتشر شد. این اثر بیانگر تکامل سیر و سلوک فکری، هنری و اجتماعی امین پور می باشد که در آن شاعر از لحظه های تراژیک خود سخن به میان می آورد. همچنین در این مجموعه شاعر «آشنایی عمیق خود در حوزه ی واژگان و به گزینی در این حوزه را به نمایش می گذارد و این آشنایی، چنان ماهرانه در شعر اتفاق می افتد که مولف را از بازی های تکنیکی و تصویری که در خلأ

²² بهداروند، ارمغان. این روزها که می گذرد (زیباشناسی و سیر تحول شعر قیصر امین پور)، تهران: انتشارات نقش جهان بهداروند، 1388: 43-42.

ذات شعر، در شعر حضور پیدا می کنند، بی نیاز می گردانند.»²³

بی بال پریدن

" بی بال پریدن" مجموعه نثر های شاعرانه امین پور در قالب عبارت های کوتاه و مضامین بدیع، در سال 1373 به چاپ رسیده است. شاعر بسیاری از تأملات و نگاه های شاعرانه که در قالب های شعری نمی گنجد را با خلاقیت و نوآوری به شکل عبارت در این اثر ارائه می دهد.

مثل چشمه، مثل رود

این مجموعه ی شعری در سال 1368 به چاپ رسیده است. این اثر در حوزه ی شعرهای نوجوانانه ی امین پور قابل بررسی می باشد. مفاهیم ارزشی چون خداشناسی، نیایش، زندگی، روستا، وحدت، بهار، آزادی، جنگ، جبهه، شهادت، مدرسه، انقلاب، فلسطین از جمله مضامین این دفتر شعر هستند.

طوفان در پرانتز

" طوفان در پرانتز" مجموعه ای از نثرهای امین پور می باشد که در سال 1367 به چاپ رسیده است. این مجموعه بیشتر شامل نثرهای شاعرانه است، از این منظر نمی توان برای آن قالب مشخصی قائل شد.

ظهر روز دهم

مجموعه شعری " ظهر روز دهم" با محوریت موضوع کربلا، در قالب نیمایی و با زبانی نوجوانانه سروده شده است. مؤلفه ی اصلی این اثر، شرح ماجرای نبرد و شهادت یکی از نوجوانان شهید کربلا می باشد.

جایگاه سزایی کاراکوچ در میان شاعران نسل نوگرای دوم

سزایی کاراکوچ به عنوان شاعری معترض، با شعور و فرهیخته از شاعران نسل نوگرای دوم محسوب می شود. میل او به شعر نسل نوگرا برگرفته از مقابله با رویه شعری اورهان ولی می باشد. کاراکوچ هم در نگاه جهان بینی خود و هم در نگاه شعری خویش جایگاهی متمایز میان نسل نوگرای دوم دارا می باشد. این تمایز به شرح زیر است:

استفاده از امکانات شعر سنتی ترک، رویه تحکمی و دوری نکردن از اصل موضوع، عدم تخریب زبانی، عدم دشمنی با قافیه و وزن، استفاده از قالب های شعرهای کلاسیک ترک، برخوردار بودن از یک ایدئولوژی اسلامی.

بستر شعری سزایی کاراکوچ، در مسیر رستاخیزی است که نام آن را بر آرمان شهر خود گذاشته و تلاش دارد تا روح آن را با مفهوم رستاخیز همساز نماید. به طور کلی، او «مدافع شعر مشترک اسلامی است که توانسته ادبیات عرب و ادبیات عجم را در درون خود جای دهد.»²⁴

²³ بهداروند، 1388: 62.

²⁴ Siddık Akbayır, *Yoktur Gölgesi Türkiyede*, Turkuvaz Kitap, İstanbul, 2012: 239

جایگاه قیصر امین پور در ادبیات پایداری

ادبیات پایداری یا ادبیات مقاومت در « مفهوم امروزی خویش بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصار طلبی دولت های آمریکایی و اروپایی شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل گیری رژیم صهیونستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان، مصر و انقلاب اسلامی ایران باعث آفرینش آثاری یگانه ای در حوزه ادبیات مقاومت ملل شرقی و اسلامی شد.»²⁵ زیرا « سرشت انسان عدالتخواه و آزادی طلب بدی را بر نمی تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا به اشکال مختلفی چون اعتراض، پرخاش، ستیزه گری، رویارویی و مقابله نشان می دهد.»²⁶

مهم ترین درونمایه های شعر پایداری که در شعر امین پور مشاهده می نمایم عبارتند از:

سرزمین: میهن پرستی در شعر امین پور موج می زند به طوری که پرداختن به آن هویت هنری وی را بعنوان شاعر مقاومت شکل می دهد.

مردم: امین پور در اشعار خود، توانسته است، مظلومیت مردم انقلابی و جنگ زده ی ایران و مقاومت آنها در برابر هجوم دشمنان را انعکاس نماید. " شعری برای جنگ" بیانگر احساس شاعر نسبت به مردم است.

بررسی تطبیقی مفاهیم و مضامین شعری سزایی کاراکوچ و قیصر امین پور

عشق

یکی از مضامین پر بسامد در ادبیات شعری، بهره گیری از عشق است. عشق در شعر کاراکوچ به زلالترین و پاکترین شکل ممکن دیده می شود. او عشق صوفیانه را قبول دارد. کاراکوچ اساس و بنیان عشق را همچون جهان بینی اش از اسلام گرفته و از عشق مجازی به عشق حقیقی رسیده است. «در شعر لیلی و مجنون در وادی عشق، تربیت روح و دل جریان دارد. عشق از مرحله فانی به سوی الهی شدن اوج می گیرد.»²⁷

"Ruh hürdür Tanrı sevgisiyle" «با عشق خدا روح آزاد است
Bağlı değil zaman ve yer ilgisiyle» به زمان و مکان ربطی ندارد

Artık buluşmuşlardır Tanrı katında دیگر به همدیگر رسیدند در جایگاه خدا

Bir yersizlik ve zamansızlık saltanatında در یک سلطنت بی زمان و بی مکان

²⁵ شکری، غالی. ادب مقاومت. ترجمه نجح حسین رحمانی. تهران: نشر نو، 1366: 91.
²⁶ سنگری، نجح رضا. ادبیات پایداری (مقاومت). نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس). ش9، 3، تهران: مرکز پژوهش های بنیادی. 1377: 46.

²⁷ Ali Osman Dönmez, "Ötesini Söyleyemeyeceğim Şiirinden Hareketle Kadın Sezai Karakoçla 40 Saat", Ankara, 2011: 184.

Bir şey değişmez gelse de gelmesede de چیزی تغییر نمی کند اگر
 بیاید یا نیاید لیلا
 Leylâ Farketmez gitse de gitmese de فرقی نمی کند برود یا
 Mecnun O'na"²⁸ نرود مجنون با او»

عشق در شعر امین پور نیز در وصف جمال خداست، خالقی که
 عشق حقیقی محسوب می شود:
 «ای عشق، ای ترنم نامت ترانه ها/ معشوق آشنای همه
 عاشقانه ها»²⁹
 برای امین پور زندگی بدون عشق به دشواری جان کردن است:
 «زندگی بی عشق اگر باشد، همان جان کردن است/ دم به دم
 جان کردن ای دل کار دشواریست، نیست»³⁰

کودک و نوجوان

مفهوم کودک در ادبیات دوره تنظیمات و ثروت فنون با
 ابعاد اصلی و با یک دیدگاه متفاوت در هویت شعر جا
 می گیرد. در اشعار کاراکوچ، کودکی نیز مانند تصویر مادر
 که مختص این دوران است جای می گیرد. تقریباً در همه اشعار
 کاراکوچ، اثری از کودکی وجود دارد. «دلیل وجود این
 مفهوم در شعر کاراکوچ، این است که وی کودکی را از دوره
 های مهم زندگی می داند و این که فکر می کند، نتوانسته از
 دوران کودکی بهره کافی را ببرد.»³¹
 «کودکی را که در باغچه خفته
 است
 Yüzüne vuran
 Kirpiklerini kınakına gibi yakan gün شاره های باد نمی تواند
 uyandıramaz da بیدار کند
 Anne uyandırır babanın eşi uyandırır او را مادر بیدار می کند
 İğde ve gül kokuları çeşme gümüşleri با بوی سنجد و گل سرخ و
 Hurma çiğleri serçe ışınlarıyla"³² نقره های چشم
 با شبلم هایی که بر خرما
 نشسته است»

اما با اینکه قیصر امین پور در حوزه ی شعر کودک و
 نوجوان نام آشناست اما بیشتر توجه خود را به شعر نوجوان
 معطوف داشته است. شعرهای نوجوانانه او، تأثیر قابل
 توجهی بر روند شکل گیری و تحول شعر نوجوان داشته است.
 «برای نخستین بار کوشید تا تجربه در عرصه ی شعر
 نوجوان را از التزام تجربه در شعر کودک جدا کند. سهم او

²⁸ Sezai Karakoç, *Gündoğmadan*. İstanbul: Diriliş Yayınları, 15. Baskı, 2013: 594

²⁹ امین پور، قیصر، *دستور زبان عشق*، تهران: مروارید، 1386: 48.

³⁰ امین پور، *مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور*، تهران: انتشارات مروارید، 1392: 54

³¹ Hüseyin Yaşar, *Sezai Karakoç'un Şiir Poetikasında Çocuk Halleri*, International Periodical For the Languages,

Literature and History of Turkish or Turkic Volume 8/1 Winter, 2013: 2819.

³² Karakoç, 2013: 211

در پایه گذاری و اداره ی ماهنامه ی ادبی- هنری ویژه نوجوانان ایران، بخشی از این تلاش است.³³ «صبح خورشید آمد/دفتر مشق شبم را خط زد/پاک کن بیهوده است/اگر این خط ها را پاک کنم/جای آنها پیدا است/ای که خط خوردگی دفتر مشقم از توست!/ تو بگو! من کجا حق دارم/مشق هایم را/روی کاغذهای باطله با خود ببرم؟/می روم/ دفتر پاکنویسی بخرم/زندگی را باید/ از سر سطر نوشت!³⁴ زن

نگاه کاراکوچ به زن با شاعران معاصرش متفاوت است. در شعر او، زن یک موجود ایده آل است. از دیدگاه وی، تفکر رستاخیز، تفکری است که زن را به هویت اصلی و شخصیتی که شایسته اش است می‌رساند. زنی که این موضوع را درک نکند، از زندگی فاصله می‌گیرد و به سمت مرگ گام برمی‌دارد.³⁵

"Ateşe düştüğünü gördüm kadının
Dans edişini durduramamıştı yine
Sularla titreyen sabah rüzgârı
İğneleriyle
Parlayıp parlayıp sönyordu tükenen
bir mum gibi.
Cennet kentinden cehennem kentine
atılmış köprü.
Bir anda hayatı soyunup ölüme girdi.
Ne harf ne söz ne yazı ne işaret ne dil"³⁶

«در آتش افتادن زن را دیدم
بازهم رقاصی اش را ترک
نکرده بود.
سوز نسیم سحری همراه با
لرزش آب می درخشید و می
درخشید و خاموش می شد،
همچون شمعی که می سوزد
و تمام می شود. همچون پلی
بود که از بهشت به جهنم
کشیده شده بود. در یک لحظه
از حیات عریان شد و به مرگ
رفت. نه حرف، نه سخن، نه
نوشته، نه اشاره و نه
زبان»

برخلاف کاراکوچ، در شعر امین پور، به مسایل اجتماعی زنان و نقش زن در امور اقتصادی توجه شده است. وی در اشعار خود سخن از زنانی را به میان می آورد که به همراه کودکانشان بی آنکه خود بخواهند و یا آمادگی لازم را داشته باشند در وسط جنگ قربانی می شوند. شاعر درد و رنج این زنان را در شعر خود اینگونه انعکاس می دهد: اینجا/هر شام خامشانه به خود گفته ایم:/شاید/این شام، شام آخر ما باشد/اینجا/هر شام خامشانه به خود گفته

³³ رجب زاده، شهرام. ده نکته درباره ی شعرهای نوجوانانه ی قیصر امین پور. تهران: پژوهشنامه ی ادبیات کودک و نوجوان، 1380: 156.

³⁴ امین پور، 1392: 376.

³⁵ Ahmet Özpay, T.C. Kültür Bakanlığı Sezai Karakoç Özel Sayısı, Ankara, 2014:331

³⁶ Karakoç, 2013:603-604

ایم:/امشب/در خانه های خاکی خواب آلود/جیغ کدام مادر است/که در گلو نیامده می خشکد³⁷

مادر

مادر در شعرهای کارکوچ شخصیتی است که توانایی پرورش کودکان را به بهترین شکل دارد. با اراده و دارای ریشه فرهنگی است. مادر در شعر کاراکوچ یک زن عادی نیست، بلکه شخصیتی است که ویژگی‌های مدنی دارد. زنان و مادران ایده آل او زنانه سرشار از محبت هستند اما در جامعه کنونی جای آنها را زنانه که با ما بیگانه هستند، گرفته اند.

"Ve o kadınlar nereye gittiler Anne o Çocuklarının üzerine titreyen Eleğimsağmalara mı göçtüler Muratlarımızla birlikte Ve şimdi Erkeklerin kötü alışkanlıklarına özentili Bir kadınlar seli Onlar gibi Kumar içki ve şiddetin esiri" ³⁸	«و آن زن‌ها کجا رفتند آن زنهایی که هم مادر هستند و هم معشوق و دلواپس فرزندانشان آن خانمهایی که به آسمان رفتند همراه مراد های ما و اکنون، سیل زنهایی که عادت های بد مردان را تقلید می کنند، اسیر شدت مشروب و قمار مثال آنها»
---	---

در شعر امین پور، زن بیانگر احساسات، نیازها و عواطف است و مادری والاترین این عواطف محسوب می شود، در جای جای شعر او جلوه های از ذات مادرانه دیده می شود. کودک/ با گریه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند/مادر، کنار چرخ خیاطی/ آرام رفته در نخ سوزن/عطر بخار چای تازه/در خانه می‌پیچد/صدای در!/«شاید پدر!»³⁹

سنت گرایی

کاراکوچ، از نظر ارتباط با سنت، یکی از نام آوران در شعر مدرن ترکیه است. شعر کاراکوچ که از سنت تغذیه می‌کند، پلی است بین دنیای مدرن و سنتی. «او به عنوان شاعری که حساسیت‌های اسلامی دارد، هم از دنیا و زندگی سخن گفته و هم به سمت متافیزیک رفته است.»⁴⁰ «سنت اولین دنیای شاعر و دنیایی با «ابعاد پهناور» و «جبهه‌های زیاد» به عنوان مدرسه شاعر است. شاعر جوان از این مدرسه عشق، محبت، درد و رنج را می‌آموزد.»⁴¹

³⁷ امین پور، 1392: 82-89.

³⁸ Karakoç, 2013: 650

³⁹ امین پور، 1392: 15.

⁴⁰ Ertan Örgen, *Türk Şiirinde Gelenek*, Palet Yayınları, Konya, , 2010: 378

⁴¹ Sezai Karakoç, *"Şair ve Gelenek"*, Edebiyat Yazıları I, Diriliş Yayınları, İstanbul, 1997a: 114

"Doğ kendi çeşmenden kendi
uygarlığından
Ağacı topraktan
Çiçeğin ağaçtan
Suyun dağdan doğduğu gibi"⁴²

«از تمدن خود به وجود آی
چون درخت از خاک
گل از درخت
آب از کوه»

سنت گرایي و تعارض با سنت از جمله گفتمان هاي رایجی هستند که در شعر امین پور مشاهده می شود. شاعر هم با سنت و هم با تجدد به خوبی آشنا هست. از همین روی، در میان اشعار نو و نیمایی وی، اشعار کلاسیک و سنتی نیز دیده می شود. او هر چند «در آثار نیمایی و سپید به شدت نوجویی و ابداع را پیشه ی خود ساخته است، اما در آثار کلاسیک، حلقه ی تأثیر پذیری از آثار قدما را چون دیگران به گردن انداخته و با استفاده ی حساب شده از صنایع بدیعی، سعی در ساخت غزل به شیوه ی قدما دارد.»⁴³ خوشا از دل نم اشکی فشاندن/به آبی آتش دل را نشاندن/خوشا زان عشقبازان یاد کردن/زبان را زخمه فریاد کردن/خوشا از نی خوشا از سر سرودن/خوشا نی نامه ای دیگر سرودن⁴⁴

خدا

عشق به خداوند در وجود سزایی کاراکوچ بسیار قوی است و این موضوع را مدام به زبان می آورد.

"Ben bir şarkı, ben bir tüyüm;
Ben Meryemin yanağındaki tüyüm.
Beni bir azizin nefesi uçurur,
Kalbimde Allah'ın elleri durur"⁴⁵

«من یک ترانه، من یک تار
مو هستم
من یک تار موی در رخسار
مریمم
مرا نفس یک درویش به
پرواز در می آورد
دستان خدا روی قلب من
است»

خدایی که در اشعار امین پور از آن صحبت می شود، حاکمی مقتدر و معشوقی نزدیکتر از خودش به او است. معشوقی که هر چند، گاهی از او گله می کند اما تحمل درد عشق این معشوق برایش قابل تحمل می باشد.

دوست ترت دارم از هر چه دوست/ای تو به من از خود من خویشتر/دوست تر از آنکه بگویم چقدر/بیشتر از بیشتر از

⁴² Karakoç, 2013: 474

⁴³ خوشنوی خیرآبادی، سعید. نگاهی مختصر به ادبیات (شعر) دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس. 1384: 188.

⁴⁴ امین پور، 1392: 363-366.

⁴⁵ Karakoç, 2013: 27.

بیشتر/ داغ تو را از همه دارا ترم/ درد تو را از همه درویش
 تر/ هیچ نیرزد به جز از نام تو/ بر رگ من گر بزنی بیشتر⁴⁶
مرگ

مفهوم مرگ همراه با سزایی کاراکوچ دوباره در شعر ترک
 زنده شد. جریان نوگرایی دوم آگاهانه می‌خواست با مرگ
 بیگانه باشد، اما مرگ با تعریفی جدید در شعرهای کاراکوچ
 صاحب شخصیتی متافیزیکی می‌شود. در نظر وی مرگ و انسان در
 کنار هم هستند. کاراکوچ قصد دارد که با گذراندن ما از
 ساحل مرگ و با استفاده از ارتباط انسان و اشیا ما را با
 دنیای ماورایی آشنا کند.

«همه چیز تولد است، یک "Her şey ölümsüz bir dirilikten doğma."⁴⁷
 زنده بودن بدون مرگ»

در اشعار قیصر امین پور، مرگ در دو مجموعه شعر " تنفس
 صبح " و " آینه های ناگهان " که با سال های جنگ مصادف
 بود، از برجسته ترین مفاهیم شعری محسوب می شود.
 مردن چقدر حوصله می خواهد/ بی آنکه در سراسر عمرت/ یک
 روز، یک نفس/ بی حس مرگ زیسته باشی⁴⁸
 همچنین، امین پور مرگ را، راهی برای دستیابی به حقیقت
 مطلق می داند، به همین دلیل همواره از مرگ عارفانه و
 عاشقانه ای سخن می گوید که تحت تأثیر فضای جنگ در
 اشعارش نمودار شده است:

گر آتش صد دوزخ باشی/ ای مرگ، ترا چو آب خواهم نوشید⁴⁹

متافیزیک

کاراکوچ عدم اعتقاد به متافیزیک را دلیل بسیاری از
 ناملایمات می داند. «در نظر او متافیزیک با الهام و عقل
 به اندازه کافی روشن نمی‌شود بلکه محتوای مفاهیم
 متافیزیکی فقط با وحی به طور کامل درک می‌گردد.»⁵⁰ «در نظر
 کاراکوچ، ایمان به خدا سنگ بنای اصلی انسانیت است.»⁵¹
 «سنگ بنای اصلی شعر کاراکوچ هم متافیزیک است. درک او از
 متافیزیک، متافیزیکی است که با دین درهم تنیده شده است.
 او اعتقاد دارد، امروزه باید سیستم حقیقی متافیزیک را
 دوباره از اسلام بگیریم.»⁵²

"Aklım yeni bir akıldır çiçeklerden «عقلم از گلها عقل جدیدی
 Mantığım mantığın üstünde yeni است
 İçimde Nuh'un en yeni tufanı منطقم روی منطق جدیدی است

⁴⁶ امین پور، 1386: 43.

⁴⁷ Karakoç, 2013: 554

⁴⁸ امین پور آینه های ناگهان، تهران: نشر افق، 1380: 30

⁴⁹ امین پور در کوجه آفتاب، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، 1363: 37.

⁵⁰ Karakoç, 1997: 16

⁵¹ همان، 23.

⁵² Münire Kevser Baş, Sezai Karakoç'un Düşünce ve Sanatında Metafizik, Şair ve Düşünür Sezai Karakoç Sempozyumu, 2000: 242.

دروم طوفان نوح جدیدی است⁵³ "Dünyaya ayak basıyorum yeniden."
مجدداً به دنیا پشت پا می
زنم»

از طرفی دیگر، از مهم ترین ویژگی های شعر متافیزیکی، استفاده ی شاعر از استعاره های دور از ذهن و ساده بودن زبان آن است. در همین راستا، امین پور با توجه به قاعده ی اشعار متافیزیکی، در استخدام کلمات و گزینش واژه ها و ایجاد تناسب بین واژه ها از این روش بهره برده است. هنجار شکنی ها و نوآوری های نامتعارف وی در حوزه ی زبان، ساخت واژه ها و استعاره های ساده ولی نوین حاکی از نیرویی متافیزیکی در درون شاعر است. بفرمایید تا این بی چراتر کار عالم، عشق/رها باشد از این چون و چرا و چندهای ما⁵⁴

رستاخیز

وقتی از شعر کاراکوچ سخن به میان می آید، ناخودآگاه کلمه رستاخیز به ذهن متبادر می شود. فهم کاراکوچ از مرگ براساس فهم او از رستاخیز شکل گرفته است. او از مرگ به عنوان زنده شدن حقیقی یاد می کند، زیرا معتقد است، وقتی انسان می میرد با حقیقت واقعی روبه رو می شود. کسانی که مرگ را می میرانند زنده های واقعی هستند. شاعر هم در پی زندگی است که مرگ ابتدای آن است.⁵⁵

«می دانم ای استانبول مرگ تو "Ölümün biliyorum ey İstanbul diriliş
از برای رستاخیز است
فقط مرگ قبر را نمی خراشد،
کازیلر ölümüne de
برگرداندن مرگ به رستاخیز»⁵⁶

امین پور در اشعار خود ضمن باور به جهانی برتر از این جهان، به مسئله جاودانگی بعد از مرگ نیز تأکید دارد. مفهوم رستاخیز در شعر او گذشتن از "من" های بی شمار زندگی است. انگار این سال ها که می گذرد/چندان که لازم است/دیوانه نیستم/احساس می کنم که پس از مرگ/عاقبت/⁵⁷ یک روز/دیوانه می شوم

تناقض و تضاد

⁵³ Karakoç, 2013:432.

⁵⁴ امین پور، 1392: 39.

⁵⁵ Münire Kevser Baş, *Sezai Karakoç Şiirinde Ölüm*, Turkish Studies International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic Volume 5/1 Winter 2010: 817

⁵⁶ Karakoç, 2013:499

⁵⁷ امین پور، 1386: 30.

تضادها و تناقضهای جهان مانند مرگ که در کنار تولد وجود دارد و تنشی که در نتیجه آن شکل می‌گیرد در شعرهای کاراکوچ هم دیده می‌شود. در زندگی انسان چیزی هست که تکرار می‌شود و آن تنشی است که بین تناقضها به وجود می‌آید. تنش هر چقدر هم که کلمه‌ای منفي به نظر بیاید وجهه‌های مثبتی هم دارد. مثلاً در عشق تناقضهایی مثل خوشبختی/ بدبختی، وصال/ جدایی، حسودی/ تفاهم، محبت/ نفرت و... را می‌بینیم.

"Ölümle dirilişle

Kerpice kattığım gülle duamla

Kır ortasına saldıgım mezarlarımla

Tabutla değıştireceğim tabiatı"⁵⁸

«با مرگ، با رستاخیز

گل و دعایم را به خشت اضافه

کردم

قبرهایم را وسط بیابان

گذاشته‌ام

با تابوت طبیعت را تغییر می

دهم»

یکی از مفاهیم متضاد در شعر امین پور، شناخت خوب و بد و رابطه زیبایی و زشتی است. از نظر او، خوب مطلق خدا و کسی که از خداوند دور باشد، بد مطلق است. وی زیبایی را در وجود حق و زشتی را در دل بی‌عشق می‌بیند. به طوری که جهان به رغم همه‌ی مشقت و سختی که برای مردم در بردارد با حضور معشوق کامل زیبا می‌باشد.

از غم خبری نبود اگر عشق نبود/دل بود ولی چه سود اگر عشق نبود؟/بی‌رنگ تر از نقطه موهومی بود/این دایره کبود، اگر عشق نبود/از آینه‌ها غبار خاموشی را/عکس چه کسی زدود اگر عشق نبود؟/بی‌عشق دلم جز گریه کور چه بود؟/دل چشم نمی‌گشود اگر عشق نبود⁵⁹

انسان

کاراکوچ مفهوم انسان را در بستر سرنوشت به دست می‌گیرد و انسان را در این سرنوشت مطلق روایت می‌کند. طبیعت، ماوراء طبیعت و زندگی انسان در نظر کاراکوچ به یک خالق وابسته است. در همه چیزهایی که می‌بینیم یا نمی‌بینیم، در همه چیزهایی که عقلمان می‌تواند درک کند و یا نمی‌تواند درک کند، سببیت الهی را می‌بیند و ایمان می‌آورد.⁶⁰ در شعر کاراکوچ انسان و تمدن‌های بنا شده توسط انسان، در مرکز قرار دارند.

"İnsansız şiir çabuk ölür."⁶¹

«شعر بدون انسان زود می

میرد.»

⁵⁸ Karakoç, 2013:369.

⁵⁹ امین پور، 1392 : 308.

⁶⁰ Ömer Öztürkmen, Sezai Karakoç, Sezai Karakoç, Hayatı, Sanatı ve Düşüncesi, Teksir Yayınları, Ankara,

1976:21.

⁶¹ Karakoç, 2013:486

انسان در اشعار امین پور، جانشین و آینه عینی خداست و به دلیل داشتن فطرتی خداگونه و خدا طلب از هر موجودی والاتر است؛ از همین روی در اشعار وی انسان همواره به دنبال دستیابی به آن خدایی است که در وجودش نهادینه شده است.

در آغاز آینه بودیم و باز/ بیابیم پایانی از آینه⁶²
مکان (شهر-روستا)

شهر از دیدگاه شاعران معاصر از چهار منظر بررسی می شود: الف) شهر از نظر ساختار ظاهری؛ ب) بیان تجربه ی زندگی در شهر؛ ج) جدالی که تجربه ی زندگی شهری در درون شاعر بر می انگیزد؛ چرا که باعث می شود شاعر همواره در درون خود، خواسته یا ناخواسته، به مقایسه ی شهر و روستا بپردازد؛ د) نگاه به شهر تحت تأثیر مسائل سیاسی⁶³ در میان شاعران جریان نوگرایی دوم، یعنی؛ از میان شاعرانی که آفریقا و خاورمیانه را در یک نگاه ایدئولوژیک به صورت یک منطقه یکپارچه در نظر می گرفتند، کاراکوچ در صدر قرار می گیرد. در شعر او ارزشهای تاریخی و فرهنگی این جغرافیا بیان می شود. کاراکوچ در چارچوب ارتباط شهر و تمدن از طرفی از عمق گنجینه تاریخی در شهرهای تمدن اسلامی در شعرهایش حرف می زند و از طرف دیگر از شهرهایی که در زندگی مدرن ایجاد شده انتقاد می کند. کاراکوچ با شهرهای مدرن که سبب زندگی مدرن هستند، به سردی برخورد می کند. به عقیده او این شهرها دردآور و دفع کننده هستند. او در حسرت شهرها و تمدن های قدیمی است.

"Ey batıdaki mağaralar «ای غارهایی که در غرب
Beni afyonunuz bağlasaydı da هستید
Uyusaydım کاش افیون شما مرا معتاد
Bu katı bu sert kente gelmeseydim"⁶⁴ می کرد
می خوابیدم و
به این شهر خشن نمی آمدم»

امین پور هم از شهر و مشکلاتی که شهرنشینی به دنبال دارد، همواره گریزان است و هدف اصلی او از بیان مشکلات شهر، بازتاب زندگی ساده روستایی خویش است که به نوعی فریاد رهایی از شلوغی شهر محسوب می شود. یکی از بارزترین مشکلاتی که جامعه ی شهری در شهر و روستا، با آن مواجه می شود، مسئله ی فقر و کمبود امکانات مالی و مادی است. در این زمینه شاعر از زبان کودک فقیر اینچنین سخن می گوید:

⁶² امین پور، 1380: 150.

⁶³ اسماعیل، 1966: 329.

⁶⁴ Karakoç, 2013:60.

ما حاشیه نشین هستیم،/مادرم می گوید: پدرت هم حاشیه نشین بود،/در حاشیه به دنیا آمد، در حاشیه جان داد، و در حاشیه مرد/من در حاشیه به دنیا آمدم/در حاشیه بازی کردم/همراه سگ ها و گربه ها و مگس ها در حاشیه زباله ها گشتم تا چیز به درد بخوری پیدا کنم⁶⁵

امین پور زاده و پرورش یافته ی روستای "گتوند" است. از آنجایی که بهترین دوران کودکی و نوجوانی خود را در آنجا سپری کرده، به هنگام مهاجرت به تهران دوست دارد، روستای خود را نیز با خود انتقال دهد. به طور کلی، با وجود پیشرفت و امکانات رفاهی در شهر، شاعر سادگی روستا را می پسندد:

من دلم می خواهد/دستمالی خیس/روی پیشانی تبار بیابان
بکشم/دستمالم را اما افسوس/نان ماشینی/در تصرف
دارد/آبروی ده ما را بردند⁶⁶

بنابراین، در نگاه امین پور، روستا نماد پاکی و زیبایی است و بازگشت به روستا، بازگشت به فطرت و ارزش های اصیل انسانی می باشد.

طبیعت

شعر کاراکوچ با طبیعت درآمیخته شده است. در شعرهای او طبیعت با جزئیات و به صورت زنده برجسته می شود. کوچکترین جزئیات طبیعت، با قوه خیال او تبدیل به زیبایی مطلق می گردد. کاراکوچ در شعرهایش از اتفاقات و رویدادهای طبیعت به جامعه پیام می فرستد. این پیام گاه مژده رویش است.

"bahar gelmiş gülü zorlamada «بهار آمد گل را مجبور کرد
Bulutun içinde gülün özü döğülmede شهد گل کوبیده می شود در
Sonra bir yağmurla ابرها
Ufak bir esintiyle ریخته می شود روی باغچه ها
Dökülecek bahçelerin üstüne سپس با باران و نسیم ملایم
Kerpiçte bir değışme var در خشت یک تغییر هست صاف
Ölü tozunda bir doğrulma شده از خاک مرده، از سنگ
Tüyleneiyor mezar taşları مزار مو در می آید
Sızıyor saçaklardan kiremit kanı"⁶⁷ خون کاشی از لب بام نشت کرده»

طبیعت در میان سروده های امین پور زنده و پویا است، شاعر توانسته با خلاقیتی نوین و نگرشی هنرمندانه تصویری زیبا از طبیعت را به نمایش بگذارد، برای نمونه تصویر "باران" را که امین پور در اشعار خود ارائه می دهد و ترانه ای او برای "درخت" را در اینجا به عنوان نمونه می آوریم:

⁶⁵ امین پور، بی بال پریدن، تهران: انتشارات افق. 1378: 22.

⁶⁶ امین پور، 1392: 371.

⁶⁷ Karakoç, 2013:378.

باران، بارن و دوباره باران/باران، باران، ستاره باران، باران/اي كاش تمام شهرها حرف تو بود/ باران، باران، بهار، باران، باران⁶⁸

تاریخ

در شعر سزایی کاراکوچ عنصر بنیادی دیگر تاریخ است. تاریخ در اشعار او همواره حضور دارد. کاراکوچ در اشعارش به تاریخ عثمانی می‌پردازد و قصد دارد این تمدن را دوباره زنده کند. شاعر در خیال خود تمدنی بنا می‌کند که بسیار به گذشته وابسته است. او در شعرهایش از شخصیت‌های دینی و تاریخی بسیاری استفاده می‌کند.

امین پور در زمان حیات خود، دوره‌های خاصی از تاریخ ایران را تجربه کرده است، به مثابه‌ی همین برخورد تاریخی، اشعار وی بازتابی از سه دهه‌ی اخیر کشور به شمار می‌آیند. این شاعر، حیات شعری خود را از سال 1363 شمسی با انتشار دو دفتر "تنفس صبح" و "در کوچه آفتاب" آغاز کرد و در سال 1386 آخرین دفتر شعری او با نام "دستور زبان عشق" منتشر شد.

- دوره‌ی اول: (1357-1367)

مؤلفه‌ی اصلی این دوره از حیات شاعر مصادف با مهم‌ترین رویدادهای تاریخی ایران همچون انقلاب اسلامی می‌باشد. انقلاب اسلامی، جنگ، ستایش انقلاب و مبارزه و رزمندگان، تقدیس امام خمینی(ره) و توصیف جهاد، شهادت و ایثار از جمله‌گفتمان‌های شاعر در این دوره‌ی تاریخی به شمار می‌آیند.

- دوره‌ی دوم: (1367-1376)

گفتمان غالب در این دوره تاریخی از حیات شاعر، مؤلفه‌های همچون رمانتیسم، فردگرایی، نوستالژی، ستایش عشق، ناامیدی، مرگ، عدم پذیرش شرایط جامعه و احساس شک و تردید است.

- دوره‌ی سوم: (1376-1386)

گفتمان غالب در این دوره‌ی تاریخی از زندگی شاعر، حقیقت‌هستی و جهان‌پس از مرگ، عشق، تقدیرگرایی و پلورالیسم می‌باشد.

دین

شعر آینه‌ای از افکار، احساسات، بینش‌ها و اعتقادات شاعر است، بر همین اساس افکار مذهبی و باورهای دینی و گرایش‌های ایمانی شاعر در شعرش انعکاس می‌یابد. شاعران برای نیل به این منظور، از منابع دینی بسیاری الهام می‌گیرند. میراث دینی و بالخصوص قرآن کریم از مهم‌ترین این منابع به شمار می‌آید. «قرآن مجید کتاب دینی ماست، معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در

⁶⁸ امین پور، 1392: 88.

حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است. چنان که امروز نمی توان جنبه ای از جنبه های گوناگون زندگی مسلمانان را یاد کرد که قرآن کریم و معانی والای آن به نحوی مستقیم یا غیر مستقیم در آن تأثیری نگذاشته باشد.⁶⁹

سزایی کاراکوچ، مناسب ترین زبان هنری مدرن اسلامی را خلق کرد اما در شعر کاراکوچ از آیه ها چون آب های زیرزمینی استفاده کرده و از درون جاری می شود و آلودگی های ذهنی را تمیز می کند و از نو ذهنیت اسلامی می سازد.

«وحی یک پیام الهی است

"Oku Rabbinin adıyla!"

"بخوان به نام پروردگارت"

Dedi Cebrail Kur'an'dan

جبرئیل از قرآن گفت:

Üfledi Sûrunu üç kez

سه بار در صوراسرافیل دمید

İsrafil durulmuş yapraklardasın"⁷⁰

اسرافیل از برگهای آرام

عشق به قرآن آن را از ناامیدی نجات می دهد.

امین پور نیز در سروده های خود توانسته است از مفاهیم دینی به عنوان محتوا بهره بگیرد. داستان حضرت آدم (ع) و ماجرای هبوط و اخراج انسان از بهشت از جمله تلمیحاتی است که در اشعار امین پور به آن اشاره می شود. به طوری که در شعر " هبوط در کویر" به تأثیر از آیه 35 سوره بقره با بیان ماجرای طرد شدن حضرت آدم (ع) و حوا از بهشت و خوردن میوه ممنوعه به سرنوشت انسان امروزی به عنوان بازماندگان نسل آدم اشاره می کند.

« وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»

سر به زیرو ساکت و بی دست و پا می رفت دل/یک نظر روی تو را دید و حواسش پرت شد/بر زمین افتاد چون اشکی ز چشم آسمان/ناگهان این اتفاق افتاد : زوجی فرد شد!/بعد هم تبعید و زندان ابد شد در کویر/عین مجنون از پی لیلی بیابانگرد شد/کودک دل شیطنت کرده است یک دم در ازل/تا ابد از دامن پر مهر مادر طرد شد⁷¹

نتیجه گیری

«در تکوین و تکمیل شناخت هر هنرمندی، توجه به زادگاه، روال زندگی و شرایط زیست محیطی، از ارزش مطالعاتی قابل توجهی برخوردار است. در اصالت این ارزشمندی می توان به

⁶⁹ حلبی، علی اصغر، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: انتشارات

اساطیر. 1374: 11.

⁷⁰ Karakoç, 2013:359.

⁷¹ امین پور، 1392: 49.

تئوري هاي روانشناسي و روابط متقابل فرد و محيط اشاره نمود كه امروزه به عنوان اصول شخصيتي قابل استناد مي باشند. كلتيت شخصيت فردي در روال تكاملي خود طبيعتاً از كوچكترين محرك هاي پيراموني خود تأثير خواهد گرفت كه عوامل متعددي را در اين ميان مي توان عنوان نمود. بديهي است اين شخصيت، در گذار محرك هاي پيراموني مذكور، تأثيراتي را بپذيرد و در مختصات خود، فراز و فرودي نيز متحمل شود.⁷² همچنين، آثار ادبي را فارغ از جامعه اي كه در آن پديد آمده نمي توان بررسي كرد، چرا كه آن جامعه بي شك ردي در آن آثار دارد. براي درك بهتر آثار ادبي، دانستن در مورد تاريخ، جغرافيا، اقتصاد، فرهنگ، ايمان و اعتقادات يك جامعه شرط لازم است. نمي توان تصور كرد، ايران و تركيه در مسير مدرن شدن از جريانات فكري و ادبي دنيا تأثير نگرفته باشند. براي شناخت ادبيات اين دو کشور بايد ادبيات دنيا را كه ادبيات اين دو کشور هم بخشي از آن است را شناخت، تا بتوان فهميد كه شاعر در كنار کدام جريان براي سرودن يكه تازي مي نمايد. در ميان جريان هايي كه ادبيات دنيا در حال گذر از آن است، سزايي كاراكوچ در ميان شاعران جريان نسل نوگراي دوم تركيه از شاخه ادبيات مدرن جاي دارد و قيصر امين پور در ميان شاعران حوزه ادبيات پايداري نقش برجسته اي را ايفا مي نمايد. عشق، كودك و نوجوان، زن، مادر، سنت گرايي، مرگ، متافيزيك، تضاد، انسان، شهروروستا، طبيعت، تاريخ، دين، خدا، رستاخيز، از جمله مفاهيم و مضامين برجسته ي مشترك در آثار اين دو شاعر مي باشد. يكي از دلایلي كه سزايي كاراكوچ موضوع عشق را كه در ادبيات كلاسيك بسيار به آن پرداخته شده است را انتخاب کرده، اين است كه او اساس هر چيز را در عشق مي بيند. كاراكوچ عشق را هم مثل مرگ، آزادي و زندگي يكي از ضرورتها و بنيان هاي اصلي بودن مي داند. همانند كاراكوچ، در شعر امين پور نيز عشق آنقدر زنده است كه نشان از عاشق شدن شاعر دارد. كاراكوچ سعي مي كند در شعرش از نگاه كودك دنيا را درك كند. او با استفاده از نيروي تصوير سازي هاي جسورانه و غافلگيرانه شعرش را به سطحي فراتر از واقعيت مي تواند ببرد. شعرهاي نوجوانانه امين پور هم، علاوه بر اينكه تأثير قابل توجهي بر روند شكل گيري و تحول شعر نوجوان داشته، از

⁷² بهداروند، ارمغان. *اين روزها كه مي گذرد (زيباشناسي و سير تحول شعر قيصر امين پور)*، تهران: انتشارات نقش جهان، 1388: 35.

مضمون و زبان سالم و قوی برخوردار است. شعر کاراکوچ متعالی کردن مقام زن و او را به «منتخب زمان» تبدیل کردن است و شعر امین پور، تلاش اقتصادی زن تا آخرین نفس در شهرهای جنگ زده و نقش او در کنترل امور اقتصادی خانه بدون سرپرست را به تصویر می‌کشد.

این دو شاعر جایگاه مادر را در اشعارشان به بالاترین حد ممکن رسانیده اند، به طوری که امین پور، تصویر کودکی که بهانه‌ی پدر را می‌گیرد و مادر او را به امید آینده‌ای روشن آرام کند و مادری که به جای گریه برای فرزند شهیدش، با صدای بلند در میان جمعیت عزادار «کل» شادی سر می‌دهد را به زیبایی به تصویر کشیده است. از طرفی دیگر، «کاراکوچ قوی‌ترین، نوگراترین و راهگشاترین شاعر فرهنگ سنتی است.»⁷³ طبق گفته‌ی منتقدان و همین‌طور خود شاعر، سنت جایگاه مهمی در اشعار کاراکوچ دارد. وی سنت را از آن خود می‌داند و در شعرهایش سنت را با شکل جدیدی دوباره بازآفرینی می‌کند. امین پور نیز همانند کاراکوچ به سنت پایبند است و در میان اشعار نو و نیمایی وی، اشعار کلاسیک و سنتی دیده می‌شود. نسبت به خداوند، «کاراکوچ دارای قدرتی است که توانسته به علاقه‌ی طبیعی بین کلمه و روح شاعر در اشعارش اشاره کند.»⁷⁴ امین پور هم، درد عشق معشوق که همان خدای مطلق است را بر درمان بدون او ترجیح می‌دهد. مفهوم مرگ همراه با سزایی کاراکوچ دوباره در شعر ترک زنده شد. جریان نوگرایی دوم آگاهانه می‌خواست با مرگ بیگانه باشد، اما مرگ با تعریفی جدید در شعرهای کاراکوچ صاحب شخصیتی متافیزیکی می‌شود. ایمان به مرگ با دنیای فکری او به طور موازی رشد می‌کند. در اشعار قیصر امین پور، مرگ در دو مجموعه شعر "تنفس صبح" و "آینه‌های ناگهان" که با سال‌های جنگ مصادف بود، از برجسته‌ترین مفاهیم شعری محسوب می‌شود. دین مرکز زندگی کاراکوچ است. جهان ایده‌آل اسلامی در بسیاری از شعرهای او جایگاه اصلی را داراست. عنصرهای متافیزیکی در شعر کاراکوچ از عناصر بنیادی شعر محسوب می‌شود. در نظر کاراکوچ متافیزیک در زندگی انسان اهمیت حیاتی دارد. کاراکوچ رستاخیز را جست‌وجوی درون‌مایه و پیدا کردن آن و تولدی دوباره می‌داند. او کلمه رستاخیز را در طول عمر استفاده می‌کند. رستاخیز بیانگر طرز زندگی و نگاه این دو شاعر به

⁷³ Mehmet Çetin, *Tanzimattan Bugüne Türk Şiir Antolojisi*, Kitabevi Yayınları, İstanbul, 1994: 20
⁷⁴ Kamil Eşfak Berki, *Mona Rosa Şiiri ve Betimlemeler*, Kitap Dergisi, Sayı:93, 1998: 21.

زندگی و درک آنها از فرهنگ، مدنیت و هنر است. امین پور هم همچون در اشعار خود ضمن باور به جهانی برتر از این جهان، به مسئله جاودانگی بعد از مرگ نیز تأکید دارد. تضادها و تناقضهای جهان در شعر این دو شاعر با تکیه بر مفهوم "خود مادی" و "خود خدایی" مقایسه می شود.

انسان در شعر کاراکوچ و امین پور با تمام ویژگیهای خوب و بد دیده می شود. در بررسی اشعار در زمینه ی انسان می توان به این نتیجه دست یافت که منظور شاعر از به کارگیری کلماتی همچون "من" انسان مادی، "تو" انسان معنوی، "خود" انسان تلاشگر و "او" همان خدایی است که برای رسیدن به او باید تلاش کرد.

کاراکوچ با نگاه به دوران طلایی کودکی اش از زندگی، سنتها و عرف، اعتقادات، قهرمانها، افسانهها، مناظر و مشکلات آن جامعه مسلمان سخن می گوید و امین پور از بارزترین مشکلاتی که جامعه ی شهری در شهر و روستا با آن مواجه می شود، مسئله ی فقر و کمبود امکانات مالی و مادی را بیان می نماید. همچنین مفهوم طبیعت در شعر کاراکوچ و امین پور، زنده و پویا است. از طرفی دیگر، در شعر سزایی کاراکوچ عنصر بنیادی دیگر تاریخ است، شاعر در خیال خود تمدنی بنا می کند که بسیار به گذشته وابسته می باشد. او در شعرهایش از شخصیت های دینی و تاریخی بسیاری استفاده می کند. امین پور هم در زمان حیات خود، دوره های خاصی از تاریخ ایران را تجربه کرده است، به مثابه ی همین برخورد تاریخی، اشعار وی بازتابی از سه دهه ی اخیر ایران به شمار می آیند.

شعر آینه ای از افکار، احساسات، بینش ها و اعتقادات شاعر است، بر همین اساس افکار مذهبی و باورهای دینی و گرایش های ایمانی این دو شاعر در شعرشان انعکاس یافته است. توجه و تمرکز به مفاهیم و مضامین دینی به شکل خلاقانه ای در اشعارشان به وضوح دیده می شود.

اسماعيل، عز الدين (1966). الشعر العربي المعاصر قضايا و ظواهره الفنيه و المعنويه، بيروت: دارا مآخذلثقافه.

اسماعيليان، ام البنين (1393). آويزش های روایی اورهان پاموک از ادبيات و هنر ايران در رمان نام من سرخ. تهران: دانشگاه علوم و تحقيقات.

امين پور، قيصر (1363). در كوجه آفتاب، تهران: حوزه هنري سازمان تبليغات اسلامي.

----- (1378). بي بال پريدن، تهران: انتشارات افق.

----- (1380). آينه هاي ناگهان، تهران: نشر افق.

----- (1386). دستور زبان عشق، تهران: مرواريد.

----- (1392). مجموعه كامل اشعار قيصر امين پور، تهران: انتشارات مرواريد.

بهداروند، ارمغان (1388). اين روزها كه مي گذرد (زيباشناسي و سير تحول شعر قيصر امين پور)، تهران: انتشارات نقش جهان

ترابي، ضياء الدين (1381). شكوه شقايق، قم: سماء.

حلبی، علي اصغر (1374)، تأثير قرآن و حديث در ادبيات فارسي، تهران: انتشارات اساطير.

خو مجدي خيرآبادي، سعيد (1384). نگاهي مختصر به ادبيات (شعر) دفاع مقدس، تهران: بنياد حفظ آثار و نشر ارزش هاي دفاع مقدس.

رجب زاده، شهرام (1380). ده نکته درباره ي شعرهاي نوجوانانه ي قيصر امين پور. تهران: پژوهشنامه ي ادبيات كودك و نوجوان، شماره 28. ص: 165-152.

سنڱري، مڱد رضا. (1377). ادبيات پايداري (مقاومت). نامه پڙوهش (ويژه دفاع مقدس). ش9، س3، تهران: مركز پڙوهش هاي بنيادي.

شكري، غالي. (1366). ادب مقاومت. ترجمه مڱد حسين رحمانی. تهران: نشر نو.

Ali Osman Dönmez, "Ötesini Söyleyemeyeceğim Şiirinden Hareketle Kadın Sezai Karakoçla 40 Saat, Ankara: 2011.

Ahmet Özpay, T.C. Kültür Bakanlığı Sezai Karakoç Özel Sayısı, Ankara, 2014.

Ertan Örgen, Türk Şiirinde Gelenek, Palet Yayınları, Konya, 2010.

Fatma Ömerustaoğlu, "Hatıralar İçindeki Otobiyografik Çizgi", Kitap Dergisi Özel Sayı, 1998 .

Hüseyin Yaşar, Sezai Karakoç'un Şiir Poetikasında Çocuk Halleri, International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic Volume 8/1 Winter 2013.

<http://yenisafak.com.tr/aktuel/default.aspx?t14.11.2007&c=5&i=28077>, 19.08.2015.

http://www.zaman.com.tr/cuma_kultur-sanat-buyuk-odulu-sezai-karakocun_482791.html, 23.06.2015 .

İhsan Işık, Türkiye Edebiyatçıları ve Kültür Adamları Ansiklopedisi, Ankara, 2006.

Mehmet Çetin, Tanzimattan Bugüne Türk Şiir Antolojisi, Kitabevi Yayınları, İstanbul 1994.

Münire Kevser Baş, Sezai Karakoç'un Düşünce ve Sanatında Metafizik, Şair ve Düşünür Sezai Karakoç Sempozyumu, 2000.

,-----Sezai Karakoç Şiirinde Ölüm, Turkish Studies International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic Volume 5/1 Winter 2010.

Kamil Eşfak Berki, Mona Rosa Şiiri ve Betimlemeler, Kitap Dergisi, Sayı:93, 1998.

Ömer Öztürkmen, Sezai Karakoç, Sezai Karakoç, Hayatı, Sanatı ve Düşüncesi, Teksir Yayınları, Ankara, 1976 .

Sıddık Akbayır, Yoktur Gölgesi Türkiyede" Turkuvaz Kitap, 2012, İstanbul.

Sezai Karakoç, "Şair ve Gelenek", Edebiyat Yazıları I, Diriliş Yayınları, İstanbul, 1997.

,-----Fizik Ötesi Açısından Ufuklar ve Daha Ötesi, Ankara:1997.

,-----Hayatı, Sanatı ve Düşüncesi, Teksir Yayınları, Ankara, 1976.

,-----Gündoğmadan. İstanbul: Diriliş Yayınları, 15. Baskı, 2013.

Turan Karataş, Dođu'nun Yedinci Ođlu: Sezai Karakoç Kaknus Yayinlari, Istanbul, 1998